بنیاد مطالعات ایران

ایران نامه

مجلهٔ تحقیقات ایران شناسی

ویژهٔ تصوّف

زیر نظر سیدحسین نصر

مقاله ها:

محمد جعفر محجوب	جوانمردی درایران اسلامی
احمد مهدوی دامغانی	سهم ایرانیان درادب صوفیانهٔ عرب
خلیق احمد نظامی	تأثیر ایران برادبیات وتصوّف درآسیای جنوبی
حمید دباشی	عین القضاة همدانی و رسالهٔ *شکوی الغریب* او
مهدی امین رضوی	اهمیت آثار فارسی سهروردی
محمد استعلامی	مفهوم علم درمثنوی مولانا جلال الدین
ویلیام چیتیک	خواجه خرد و رسالهٔ نور وحدت وی
سیدحسین نصر	عرفان نظری و سیر و سلوک درتصوّف

نقد و بررسی کتاب:

لئونارد لوئیزان	طریق صوفیانهٔ معرفت
ولی رضا نصر	ازدواج موقت و ضرورت‌های اجتماعی
نادر انتخابی	حدیث نامکرر ایران و غرب

سال یازدهم، شمارهٔ ۱، زمستان ۱۳۷۱

ایران نامه

مجلهٔ تحقیقات ایران شناسی
از انتشارات بنیاد مطالعات ایران

دبیران:
داریوش شایگان
شاهرخ مسکوب

دبیر نقد و بررسی کتاب:
احمد کریمی حکاک

مدیر:
هرمز حکمت

گروه مشاوران:
گیتی آذرپی، دانشگاه کالیفرنیا ـ برکلی
پیتر چلکوسکی، دانشگاه نیویورک
راجر سیوری، دانشگاه تورنتو
ریچارد فرای، دانشگاه هاروارد
محمدجعفر محجوب
سیدحسین نصر، دانشگاه جورج واشینگتن
احسان یارشاطر، دانشگاه کلمبیا

بنیاد مطالعات ایران که در سال ۱۳۶۰ (۱۹۸۱ م) بر طبق قوانین ایالت نیویورک تشکیل شده و به ثبت رسیده، مؤسسه‌ای است غیرانتفاعی و غیرسیاسی برای پژوهش دربارهٔ میراث فرهنگی و شناساندن جلوه‌های عالی هنر، ادب، تاریخ و تمدن ایران.
این بنیاد مشمول قوانین «معافیت مالیاتی» ایالات متحدهٔ آمریکاست.

مقالات معرف آراء نویسندگان آنهاست.

نقل مطالب «ایران نامه» با ذکر مأخذ مجازست. برای تجدید چاپ تمام یا بخشی از هریك از مقالات موافقت کتبی مجله لازم است.

نامه‌ها به‌عنوان سردبیر مجله به نشانی زیر فرستاده شود:

Editor, Iran Nameh
4343 Montgomery Ave., Suite 200
Bethesda, MD 20814, U.S.A.

تلفن: ۱۹۹۰-۶۵۷(۳۰۱)

بهای اشتراك
در ایالات متحدهٔ امریکا، با احتساب هزینهٔ پست:
سالانه (چهار شماره) ۳۵ دلار، برای دانشجویان ۲۰ دلار، برای مؤسسات ۶۵ دلار
برای سایر کشورها هزینهٔ پست به‌شرح زیر افزوده می شود:
با پست عادی ۶/۸۰ دلار
با پست هوایی: کانادا ۱۲ دلار، اروپا ۲۲ دلار، آسیا و آفریقا ۲۹/۵ دلار

ایران نامه

مجلهٔ تحقیقات ایران شناسی

سال یازدهم، شمارهٔ ۱ زمستان ۱۳۷۱ (۱۹۹۳)

پیش گفتار

تصوف و اهمیت آن در فرهنگ ایران

تصوف را درنهاد و اصلش کاری با فرهنگ، به معنای جدید این واژه، نیست زیرا که تصوّف سروکارش با تکمیل نفس وزدودن عرایض پلید از گوهر روان آدمی و بالمآل سوق دادن انسان به آن مقامی است که شیخ اجل سعدی دربارهٔ آن می‌فرماید: «رسد آدمی به جائی که بجز خدا نبیند»، درحالیکه تعریف عادی از فرهنگ مرتبط است به فعالیت برونی انسان در قلمروهائی همچون ادب و هنر. به عبارت دیگر برداشت امروزی از واژهٔ فرهنگ ـ اقلاً به تعبیری که معمولاً درعرف از مفهوم "فرهنگ" می شود ـ ارتباطی اساسی با عالم درون که تصوّف هادی به آن است ندارد. لیکن چون آنچه ما فرهنگ ایران می‌نامیم یک فرهنگ سنتی است با ریشه‌های عمیق معنوی و نه یک فرهنگ صرفاً بشری و این جهانی به مانند فرهنگ های دنیای متجدّد، ارتباطی عمیق بین تصوّف و تقریباً تمام جوانب و ساحت های فرهنگ ایران از شعر گرفته تا معماری و از

موسیقی تا فلسفه وجود دارد و به همین دلیل پیام عمیق‌تر این فرهنگ را نمی توان بدون توجه به تعالیم تصوّف درک کرد. لذا این شماره از مجلهٔ ***ایران نامه*** به تصوّف در ارتباط با فرهنگ ایران اختصاص یافته است.

کلمهٔ تصوّف را می توان به دو معنی تعبیر کرد. از آنجا که حقیقت تصوّف با بُعد درونی دین و وحی سر و کار دارد و هر تجلی حقّ به ناچار مانند خود حقّ ظاهری دارد و باطنی، می‌توان تعالیم درونی ادیان گوناگون را تصوّف خواند و به تصوّف یهودی و مسیحی و هندو و بودائی و غیره اشاره کرد بدون این که منظور نفوذ تاریخی یکی بر دیگری باشد زیرا حقیقت وراء زمان است و آنرا تاریخی نیست وفقط می‌توان از تجلیّات آن در صفحهٔ زمانه به صورت تاریخی سخن گفت. معنی دیگر تصوّف به معنی اخص آن است که همان تصوّف اسلامی است که ازتعالیم درونی پیامبر اکرم(ص) و باطن قرآن کریم سرچشمه گرفته و در اعصار گوناگون درنقاط مختلف جهان اسلامی ظهور کرده و مخصوصا در ایران یکی از خیره کننده ترین آثار خود را بجا گذاشته است.

تاریخ ایران دوران اسلامی از آغاز با تجلیات تصوّف عجین بوده است و کمتر مظهری از مظاهر فرهنگ ایران است که به نحوی از انحاء با تصوّف ارتباطی نداشته باشد. درفلسفه ازهمان قرن سوم و چهارم هجری علاقه به تعالیم تصوّف درآثار فلاسفه دیده می‌شود و ***فصوص الحکمة*** منسوب به فارابی و بخش های پایانی ***اشارات و تنبیهات*** شیخ الرئیس نمونه‌هائی شناخته شده از آن است. در قرون بعدی این ارتباط بین تصوّف و فلسفه بیش از پیش تقویت یافت چنان‌که درک افکار شیخ اشراق و قطب الدین شیرازی و ملّاصدرا بدون عنایت به تصوّف ناممکن است.

حتی درعلوم طبیعی و ریاضی نیز ارتباطی با تصوّف مشهود است چنانکه باز درآثار قطب الدین شیرازی، که درعین حال هم متصوّف بودو هم حکیم و فیزیک دان، این ارتباط دیده می‌شود. فلسفهٔ ریاضی فیثاغورثی نیز، که در آثار بسیاری از حکما مانند ***اخوان الصفا*** مطرح شده است، پیوند مستقیم باجنبهٔ فلسفی تصوّف دارد. وانگهی، آغاز علم اشیاء و کیمیا در اسلام که با نام جابربن حیّان ارتباط بنیادی دارد از تصوّف جدا نیست و چنانکه نزد ارباب دانش مشهود است یکی از القاب جابر "الصوفی" است.

و امّا ادبیات ومخصوصاً ادبیات منظوم فارسی آن چنان با حقائق عالم تصوّف آمیخته و مرکب بیان آن حقائق گشته که حاجتی به بیان آن نیست. اثر تصوّف بر ادبیات فارسی برهمگان عیان است. آنچه در ادبیات بی بدیل فارسی جنبهٔ

جهانی دارد ووراء زمان و مکان است همانا اشعار بزرگانی همچون سنائی و عطّار و مولانا ومحمودشبستری و حافظ و جامی است که، به رغم ترجمه‌های ناقص، گروه بزرگی از دوستاران معرفت را درشرق و غرب به خود جلب کرده است. درادبیات منثور فارسی نیز نشانهٔ مُهر تصوّف دربسیاری از شاهکارهای آن مانند *رسالة فی‌حقیقة العشق* سهروردی و *گلستان* سعدی و همچنین در آثار مربوط به حیات صوفیان همچون *تذکرة الاولیای* عطّار کاملاً مشهود است.

حفظ موسیقی سنتّی ایران و اشاعهٔ آن با تصوّف عجین است و بسیاری از بزرگان موسیقی خود در راه سیر و سلوک قدم نهاده بودند. و نیز چنین رابطه ای بین فنون نقاشی، معماری، خطّاطی و سایر هنرهای زیبا و تصوّف دراعصار گوناگون تاریخ ایران دیده می‌شود.

حتی درقلمرو اجتماعی و اقتصادی بسیاری از نهادهای مهم همچون جوانمردی وفتوت وعیاری وپهلوانی از یک سو و اصناف و حِرف از سوی دیگر باطرق صوفیه ارتباط تام داشته است و در برخی از نقاط ایران این رابطه هنوز باقی مانده است. لازم به گفتن نیست که در چند دوره از تاریخ ایران تصوّف مستقیماً با حیات سیاسی ایران نیز ارتباط داشته است که مهمترین آن تأسیس خاندان صفویه براساس تشکیلات طریقهٔ صفوی است.

تصوّف در قالب ایرانی آن نه فقط رکنی اساسی از فرهنگ ایران است، بلکه اثری بس عمیق نیز بر فرهنگ اقوام دیگر از خود بجا گذاشته و حتی می‌توان گفت که تاریخ آسیا را در هزارهٔ اخیر تغییر داده است زیرا گسترش اسلام در بسیاری از بلاد شرق ایران مرهون نفوذ ادبیات صوفیانهٔ ایران است و ناشی از خودِ حقیقت تصوّف که ادبیات لباس صوری و لسان پیام آنست. تصوّفِ آغشته به فرهنگ ایران نه تنها تحولی بنیادی درمردم تُرک زبان و شبه قارهٔ هند و مسلمانان چین و مردمان جنوب شرقی آسیا به وجود آورد، بلکه درخود ادب صوفیانهٔ عرب نیز سهمی اساسی داشت و بسیاری از بزرگان تصوّف عرب زبان در قرون اولیه ایرانی بودند.

البته تنها در یک شمارهٔ مجلهٔ *ایران نامه* نمی‌توان به تمام سطوح و ابعاد این بحر وسیع که تصوّف است و رابطه‌اش با فرهنگ ایران پرداخت. لیکن کوشش به عمل آمده است که اقلاً به برخی از جوانب این مهم توجه شود. آقایان احمد مهدوی دامغانی و خلیق احمد نظامی و ویلیام چیتیک به ارتباط بین تصوّف با رنگ ایرانی آن با عالم عرب و شبه قارهٔ هند پرداخته‌اند. آقای محمد جعفر محجوب سخن از آئین جوانمردی و جوانب انسانی و اجتماعی تصوّف درایران به

میان آورده و آقایان محمد استعلامی و حمید دباشی و مهدی امین رضوی به بحث پیرامون سه تن از بزرگان تصوّف یعنی خداوند معرفت مولانا جلال الدین و عین القضاة همدانی و شیخ شهاب الدین سهروردی مبادرت ورزیده و هریک رابطهٔ بین تصوّف و جنبه ای از مسائل فلسفی و یا اخلاقی و اجتماعی را روشن ساخته‌اند. درپایان راقم این سطور کوشیده است تا اهمیت عرفان نظری را، که از قرن هفتم به بعد بین صوفیهٔ ایران گسترش یافت، از لحاظ خود تصوّف تاحدی تحلیل کند.

امید است این مجموعه خوانندگان را بیشترمتوجه اهمیت تصوّف برای شناخت فرهنگ ایران سازد و از آن مهمتر به حقیقت خود تصوّف سوق دهد، حقیقتی که فقط به صورت غیرمستقیم دراین مقالات به آن اشاره شده است.

سید حسین نصر
پاریس، ۳ ژانویه ۱۹۹۳

محمدجعفر محجوب*

جوانمردی درایران اسلامی

معمولاً کلمهٔ عربی فتوّت را مترادف جوانمردی و رادی (فارسی) و عیّاری (عربی) واخی لیق (ترکی) می‌دانند. درهریک از این سه زبان باز می‌توان واژه های دیگری را بدین مفهوم یافت. با این حال، گویا کلمهٔ فتوّت برای بیان آن روش و منش اخلاقی وآیین وسازمان اجتماعی که قرن‌ها درتمام جوامع کشورهای اسلامی (ونیز درکشورهای غیرمسلمان) وجود داشته و در هرعصر به رنگی درآمده و خودرا با اوضاع و احوال تاریخی و اجتماعی تطبیق داده و هنوز نیز پاره‌ای از بقایای آثار و احوال آن همه جا دیده می‌شود، از سایر واژه‌های هم معنی خویش مشهورتر باشد.

تاکنون مرسوم چنان بوده که آیین فتوّت و سازمان‌های آن را زادهٔ دوران بعد از اسلام می‌دانستند و تحقیق درآن را از قرآن کریم آغاز می‌کردند، امّا چون بعضی خصلت‌های جوانمردانه فطری وطبیعی آدمی است هیچ شک نیست که راه و رسم‌هایی نظیر آن، البته نه بدان تکامل و گستردگی که دردوران پس از اسلام بدان برمی‌خوریم، درتمام جامعه‌هاوجودداشته وفراوانی واژه‌هایی که این مفهوم رامی‌رساند درزبان‌های عربی وفارسی و ترکی گواه قدمت این

---

* استاد پیشین دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران و مؤلف مقالات متعدد در بارهٔ جوانمردی.

آداب است.

کلمهٔ فتوّت به صورت مصدری درقرآن کریم نیامده امّا مشتقات گوناگون آن ده بار در کتاب کریم آمده است بدین شرح: فَتیٰ(۱۲/۱۶) فَتیان (۱۲/۳۶) فَتیَه (۱۸/۱۳) الفِتیَه (۱۸/۱۰) لِفَتیٰهُ (۱۸/۵۹-۶۱) فَتیٰها (۱۲/۳۰) لِفِتیانِهِ (۱۲/۶۲) فَتَیاتِکُم (۴/۲۹-۲۴/۳۳).

درتفسیر این آیت‌ها فَتَیات را کنیزان و پرستاران و فَتَیان و فِتیان را غلامان و کارگزاران ترجمه کرده‌اند. لیکن فتی را جوان و جوانمرد ونیز شاگرد (درمورد یوشع، جانشین و مصاحب موسی) گفته و فِتیَه (درمورد اصحاب کهف) را نیز جوانمردان ترجمه کرده‌اند. بنابراین در سراسر قرآن کریم جز در دو سه مورد یادی ازجوانمرد وجوانمردی در تفسیر لفظ فتی نشده و آن‌ها نیز درمورد ابراهیم و یوسف و اصحاب کهف است.

درجنگ اُحد نیز علی (ع) فتی خوانده شد چه درآن جنگ چندان دلیرانه به مبارزه و مقابله با دشمنان پرداخت که درحق او گفته شد: "لافتی الاّعلی" و ظاهراً قسمت دوم یعنی "لاسیف الاّ ذوالفقار" مدتی بعد بدان افزوده شده است.[۱]

گویا نیامدن مصدر فتوّت درقرآن کریم از آن روی باشد که به خلاف مشهور در دستور زبان‌های عربی و فارسی که مصدر را سرچشمه وخاستگاه وجوه گوناگون افعال و مشتقّات اسمی مصدر معّرفی می‌کنند، درواقع مفهوم معنوی مصدر مدتها پس از پدید آمدن صیغه‌های گوناگون افعال و درنتیجهٔ انتزاع مفهوم حالت یا عملی که فعل آن را می‌رساند ساخته شده است، واین انتزاع کارذهن های نا آزمودهٔ اقوام باستانی نیست. هم امروز نیز در زبان‌های گوناگون، نخست صیغه‌های فعل یا صفت‌های فاعلی و مفعولی پدید می‌آیند و مصدر مدتی دراز پس از آن ساخته می‌شود.[۲]

قدمت بعضی از آثار و نشانه‌های فتوّت به دوران‌های بسیار دور، روزگار پیش از تاریخ باز می‌گردد. ولادیمیر پروپ (Vladimir Propp) دانشمند بزرگ روسی فرهنگ عامه، درکتاب گران بهای خویش موسوم به "ریشه‌های تاریخی قصه" از خانه‌های ویژه‌ای به نام خانهٔ مردان در یکی از فصل‌های کتاب نام می‌برد و درباب آن توضیح می‌دهد.[۳] با کمال شگفتی درمی‌یابیم که بسیاری از خصوصیات و راه و رسم هایی که در این خانه‌ها وجود داشته هزاران سال بعد در باشگاه‌های جوانمردان، که آن ها را"لنگر" می‌نامیده‌اند، رعایت می‌شده است. درباب این لنگرها ابن بطوطه مطالب مشروح و مفیدی در *سفرنامهٔ* خویش آورده‌است.[۴] *اوحدی مراغه‌ای* نیز درمثنوی *جام جم*، درفصلی مختصرمربوط به فتوّت به آنچه

دراین‌گونه باشگاه ها می‌گذشته اشاره می‌کند، گو این که نظریات اوحدی از دیدی انتقادی خالی نیست.[۵]

به هرحال، قرینه‌هایی دردست است که قدمت روش جوانمردان، یا دست کم ریشه‌های اساسی آن را به دوردست تاریخ یا پیش از تاریخ باز می‌گرداند. بنابراین چندان عجب نیست که عربی زبانان درشعر جاهلی و آداب و رسوم عصر جاهلیّت به دنبال ردپای فتوّت می‌گردند و بهار شاعر و محقق بزرگ ایرانی معاصر و نیز شادروان دکتر پرویز خانلری درمشتقات و خویشاوندان کلمهٔ عیّار درفرهنگ‌های مفصل عربی معنایی که مناسب با آیین عیّاری باشد نمی‌یابند و معتقد می‌شوند که این کلمه از اصل پهلوی آن در عربی راه یافته است و از این گونه واژه‌ها که اصل آن فارسی یا غیر عربی باشد درقرآن کریم نیز کم نیست و برای دیدن بخشی از آن‌ها می‌توان به ***الاتقان فی علوم القرآن*** سیوطی یا کتاب جفری در بارهٔ واژه‌های بیگانه در قرآن رجوع کرد.

*

به نظر می‌رسد که سیر تکامل آیین جوانمردی نیز همانند دگرگونی اصل خویش، یعنی تصوّف باشد، زیرا در ***فتوت نامهٔ سلطانی*** می‌خوانیم که «علم فتوّت شعبه ای است از علم تصوّف». و آملی نیز در***نفایس الفنون*** که چند قرن متقدّم بر ***فتوت نامهٔ سلطانی*** است همین نکته را تأییدکرده است.[۶] درتاریخ تصوّف آمده‌است که کار صوفیان در دوران بعد از اسلام نخست با روی آوردن به زهد و اِعراض از دنیا و راستی و کم آزاری و خدمت به خلق آغاز شد. رفته رفته درطیّ قرون گروه‌های صوفیان پدید آمدند و آداب و ترتیب و تشریفات خاص از سر سپردن به پیر و معتکف شدن درخانقاه و چلّه نشستن و دیگر مراسم آن شکل گرفت و سلسله‌های گوناگون تصوّف پدید آمد که گاه بعضی از آنها با بعضی دیگر راه دشمنی می‌سپردند و حالت هم چشمی و رقابت با یکدیگر داشتند.

عین این گونه تحول درآداب فتوّت نیز پدید آمده است. نخست جوانمردان، افراد خوش باطن و شرافتمندی بودند که آراستگی به ملکات فاضلهٔ اخلاقی را روش خود قرار می‌دادند از قبیل راست گفتن، ایثار، حمایت از مظلوم در برابر ظالم، انصاف به خلق دادن و از دیگران انصاف نخواستن و دل و زبان را با هم یکی داشتن و صفات و شعائر دیگری از این دست.

درهمین حال، گروهی دیگر که آنان نیز خودرا جوانمرد می‌خواندند، روی به خوش باشی وعشرت رانی و تقویت نیروی بدنی آوردند. روش و منش لوطیان و داش مشدی های روزگار ما بازماندهٔ مرام و مسلک آن گروه است.

امّا رفته رفته هریک از این دوگروه گردهم جمع و متشکّل شدند و"زاویه" ها و"لنگر"ها پدید آوردند. مردی هم سنگ "شیخ" درخانقاه، سرپرست و متصدّی زاویه‌ها و لنگرها شد که اورا "زاویه دار" می گفتند.

فراهم آمدن جوانمردان دراین مراکز تجمّع موجب پیدایی آدابی شد از قبیل نسبت‌های معنوی میان جوان مردان (استاد شَدّ و پدرعهدالله و رفیق و اَبدال و غیره) و مراسم شَدّ (کمربسته شدن) و صید مرغان و مانند آن که آن ها نیز در طیّ قرون خود را به اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی و مذهبی هرجامعه تطبیق می‌دادند. بدین ترتیب گروه‌ها و احزاب و خاندان های (بیوت) فتوّت پدید آمدند از قبیل خلیلیّه و رهّاصیّه و شحینیّه و مولدیّه و نبویّه که: «سنّی هستند و به فتوّت و تمام اصول جوانمردی سخت پای بند و در پذیرفتن افراد به فرقهٔ خود بسیار سخت‌گیر و احتیاط کارند و سر انجام هرکس که بخواهد دراین گروه وارد شود باید سوگند یاد کند. نبویان در هرکجا که رافضیان را ببینند و به چنگ آورند آنان رامی‌کُشند وهم بستگی و یکدلی و رازداری و اتّحاد و اتّفاق ایشان شگفت انگیز است.»[۷]

دراین روزگاران صفحات تاریخ پُر است از زدوخوردها و ستیز و آویزهای خاندان‌ها وگروه‌های مختلف عیّاران و جوانمردان که در آن میان گاه کار به خون ریزی‌های پُردامنه نیز می‌کشید و نیروهای انتظامی مجبور می‌شدند دسته‌های متخاصم را از یکدیگر جدا کنند. گاهی امنیت بغداد که مرکز خلافت اسلام بود، مانند شهرهای دیگر، براثر این زدوخوردها به خطر می‌افتاد. حتی درخراسان و سیستان نخستین حکومت مستقل ایرانی به وسیلهٔ گروهی از عیّاران سیستان به رهبری یعقوب لیث تأسیس شد و نزدیک یک قرن دوام یافت. ترجمهٔ حال و نوادرحکایت‌های یعقوب را می‌توان در مراجعی مانند ***مروج الذهب*** مسعودی و ***کامل التواریخ*** ابن اثیر و دیگر آثار ادبی مانند ***جوامع الحکایات*** عوفی خواند. امّا مراجع مهّم دیگری که داستان‌های این گروه را ـالبته با اغراق و مبالغه‌ای که لازمهٔ فن داستان سرایی است ـ بیان داشته‌اند داستان‌های عوامانهٔ کهن فارسی: ***سمک عیار***، ***ابومسلم نامه*** و ***داراب نامه*** از ابوطاهر طرسوسی و ***داستان فیروز شاه*** از مولانا محمد بیغمی است که اگر چه افسانه است با روش‌های علمی خاص مطالعهٔ داستان‌های عوام می‌توان درآن ها به نقطهٔ حقیقت راه برد.

در روزگارمخالفت و جنگ و ستیزگروه‌های گوناگون عیّاران با یکدیگر، بعضی گروهها به خلفای فاطمی مصر که دشمنان قسم خوردهٔ عبّاسیان بودند گرایش یافتند واین امر موجب شد تا عبّاسیان فشار برآنان را افزایش دهند

و در تعقیب و آزار آنان کوتاهی روا ندارند.

نتیجهٔ تمام این تحولات آن شدکه به سال ۵۷۸ هـ ق./۱۱۸۰م. الناصرلدین الله خلیفهٔ عبّاسی خود به آیین فتوّت گروید و سراویل فتوّت پوشید. یکی از مورّخان دراین باب چنین نوشت:

> ابتدای این کار، یعنی فتوت ناصری، درسال ۵۷۸ اتفاق افتاد. دراین سال ندیمان خلیفه اورا به آمدن درسلک جوانمردان تشویق کردند واین کار را درنظر وی نیکو جلوه دادند تا سرانجام پس از جلب موافقت خلیفه مردی موسوم به عبدالجبّاربن یوسف بن صالح از رؤسای جوانمردان را که مریدان بسیار داشت با فرزندش شمس‌الدین علی و دامادش یوسف العقاب حاضر آوردند. . . . خلیفه و ندیمان او نیز دراین مجلس شرکت جستند و عبدالجّبار خلیفه را سراویل فتوّت پوشانید و بدو گفت که وی این کسوت را از فلان شیخ گرفته و او نیز از فلان و فلان کس، و سلسلهٔ سند فتوّت خودرا به امام علی بن ابی طالب (ع) رسانید.[۸]

پس از پیوستن ناصر به آیین فتوّت که خود یکی از حوادث بزرگ تاریخ فتوّت است حادثه‌ای دیگر از آن بزرگتر به‌وقوع پیوست. ناصر به سال ۶۰۴هـ. ق.(۱۲۰۷م.) تمام احزاب و قبایل جوانمردان را باطل اعلام کرد و دستور داد جوانمردانی که فتوّت را از خلیفه یا کسان او نگرفته‌اند، ورود خودرا بدین آیین تجدیدکنند وفتوّت خودرا از او بگیرند و بدین ترتیب خودرا قطب و قبلهٔ جوانمردان ساخت وعلاوه برآن که تمام جوانمردان ناگزیر بدو پیوستند، تازه‌واردان نیز مکلف بودند جوانمردی را از او بگیرند و به خلیفه بپیوندند.

این فتوّت رسمی تا دوران فروپاشی سلسلهٔ خلفای عبّاسی و سقوط بغداد و کُشته شدن مستعصم به سال ۶۵۶ هـ. ق./۱۲۵۱ ادامه یافت و از آن پس نیز در نواحی دوردست تر، درمصر و ایران این موج گسترش یافت. امّا درمرکز پیدایی آن ـعراق ـ به رکود و انحطاط گرایید. از آن پس سیل خروشان ایلغارِ مغول و یورش‌های پیاپی تیمورجایی برای رشدسازمان‌های جوانمردی باقی نگذاشت. گروهی ازجوانمردان، از تبار پهلوانان و زورآوران و داش مشدی‌ها درخفا به نیرومند کردن خویش پرداختند تا درهنگام برابری با دشمن نیروی مقابله با اورا داشته باشند.

از سوی دیگر اصول فتوّت به صورت نظامی صنفی درمیان اصناف گوناگون پیشه وران و صنعتگران راه یافت. برای اهل هر پیشه رسالهٔ عملی مختصری نوشته شد که عنوان آن "فتوّت نامه" بود و به هر صنفی که تعلّق داشت نام آن صنف نیز به این عنوان افزوده می شد: "فتوّت نامهٔ چیت سازان"، "فتوّت نامهٔ کفشگران"، "فتوّت نامهٔ بافندگان" و مانند آن. ظاهراً هر صنف یک رساله از این

گونه داشته که برای هریک از واردان بدان نسخه‌ای نوشته می‌شده و کارگر آن صنف را به آموختن و رعایت اصول آن وا می‌داشته‌اند. این اصول به طور اختصار و با اندک مسامحه‌ای عبارت بوده است از:

الف) برساختن "پیر"ی از میان پیامبران یا بزرگان و نیکان و یاران رسول اکرم به عنوان پیر آن صنف و کسی که آن حرفه از او سرچشمه گرفته است: حضرت نوح پیر درود گران است (به اعتبار ساختن کشتی) ابراهیم پیر قصّابان و سلاّخان (به اعتبار قصد قربانی‌کردن پسرش اسماعیل، به اعتقاد مسلمانان، یا اسحاق، به اعتقاد مسیحیان و یهودیان) و سلمان فارسی پیر آرایشگران است (به اعتبار پیراستن موی رسول اکرم ص) و از همین روی درایران صنف آرایشگر راکه درکشورهای دیگرحجّام یا دلاّک یا حلاّق گفته می‌شوند"سلمانی" می‌خوانند.

ب) جنبهٔ تقدّس دادن به آن شغل و ایجاد یک ریشهٔ آسمانی و ماوراء طبیعی برای آن تا اهمیّت آن پیشه درنظر کارگر افزون شود و به کار خود به دیدهٔ احترام بنگرد. نیز درست به همین منظور برای هریک از ابزارهای اصناف ذکری قائل شده‌اند و گویند مثلاً کارد یا سندان یا چکش با این یا آن لفظ خدا را تقدیس می‌کند.

ج) بیان اصول صداقت و امانت و درست کاری و دل سوزی درکسب و کار و تهیهٔ محصولات بی عیب و رعایت صرفهٔ مشتریان و مغبون نکردن ایشان و راه آمدن با خریدار و پرهیز از اجحاف و خلاصه بیان اصولی ساده از اخلاق عملی که رعایت آن در هرنوع کسب و کار مایهٔ رواج بازار و رضای مشتری و رونق آن پیشه می‌شود. دراصل نیز فتوّت نوعی تصوّف عملی است و پیر و مربّی جوانمردان می‌کوشد تا آنان را با خُلق نیکو و ملکات فاضله آشنا کند و ایشان را شرافتمندوراست کردار و درست کار و با انصاف و دشمن جور و ستم بار آورد.

نظام‌های صنفی فتوّت روزگاری دراز برجای ماند و آثار آن تا روزگار آغاز قرن بیستم درسراسر کشورهای اسلامی دیده می‌شود. واپسین اسناد مکتوبی که از این گونه فتوّت برجای مانده یکی خطابه‌ای است در بارهٔ اوضاع اصناف گوناگون صنعت گران دمشق که الیاس عبده قدسی آن را در اواخر قرن نوزدهم (۱۸۸۳) به ششمین کنگرهٔ خاورشناسان که در لیدن منعقد شد تقدیم کرد و این نخست بار بودکه خطابه‌ای به زبان عربی "زبانی غیراروپایی" بدین کنگره عرضه شده و به علّت اهمیت فوق‌العادهٔ موضوع مورد توجه قرار گرفته و جزء خطابه‌ها و سخن رانی‌های کنگره چاپ شده است.[۹]

دانشمندی که الیاس قدسی را به گردآوری این اطلاعات واداشته بود

درمقدمه‌ای به زبان فرانسوی دربارهٔ آن می‌نویسد: «این مقاله پس از پایان کار کنگره به من رسید و چندان به وسیلهٔ دستگاه‌های ضدعفونی ادارهٔ پست آسیب دیده بود که درآغاز کار از امکان بازسازی متن آن نومید بودم. . . این نخستین بار است که مردی عرب اجازه می‌یابدکاری را به کنگرهٔ شرق شناسان عرضه دارد.»

دومین مطلبی که دربارهٔ کار و کردار جوانمردان منتهی‌الیهِ شرقیِ کشورهای اسلامی یعنی نواحی بخارا و سمرقند است درکتاب جالب توجّه یادداشت‌های صدرالدین عینی قید شده است. عینی خود از فرزندان انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه بوده و در واپسین سال‌های قرن نوزدهم به دنیا آمده است. وی در دوران جوانی مطالبی را دربارهٔ جوانمردان وتشکیلات ایشان از سال خوردگان شنیده و مرد بسیار قابلی را که درآن روزگار "مردمردان" نامیده می شده، یعنی درعالی‌ترین مقام ایشان قرار داشته و به شغل پارچه بافی روزگار می‌گذاشته و از دسترنج خویش نان می‌خورده است با شور و شوق فراوان می‌ستاید. گویا پس از درگذشت این بزرگ مرد دیگر کسی به مقام مرد مردان نرسیده وتشکیلات جوانمردی دربخارا نیز اندک اندک مضمحل شده و جز بقایا و آثاری پراکنده از آن برجای نمانده، چنان که درایران کنونی نیز وضع به همین منوال است.

*

دربارهٔ آیین فتوّت بسیار گفته و نوشته اند چندان که شاید بعضی رساله‌ها و نوشته‌های آن هنوز کشف نشده و بسیاری دیگر انتشار نیافته و به صورت دست نویس باقی است. با این حال مدارک ومطالب مربوط به فتوّت را به دوگروه بزرگ می‌توان تقسیم کرد:

۱. مطالبی که دانشمندان غرب با مطالعهٔ مدارک بازمانده درکشورهای اسلامی نوشته و فتوّت را از نظر و با روش خویش تحلیل کرده‌اند. این مطالب اگرچه اهمیّت و ارزش بسیار دارد و از نکته‌ها و اظهارنظرهای جالب توجّه فراوان خالی نیست، امّا به هرروی تمام آن‌ها براساس مدارک بازمانده درکشورهای اسلامی (واغلب به زبان‌های عربی، فارسی و ترکی) نوشته شده است. ما دراین گفتگو به این دسته از مدارک کار نداریم چه بررسی و ارزیابی تمام یا دست کم قسمت اعظم آنها درخور تألیف کتابی است و بنده این کار را آغاز کرده است و از خداوند توفیق می‌خواهد که آن را به پایان آورد.

۲. مدارک فراوان به صورت کتاب‌ها، رساله‌ها و فصول و ابواب پراکنده در دائرة المعارف‌ها ومتن‌های صوفیانه وکتاب‌های تاریخی واجتماعی وحتی داستان‌های عوامانه.

این گونه مطالب است که هنوز دانشمندان به تمام آنها دست نیافته و به انتشار بخشی از آنچه به دست آمده است هم توفیق نیافته‌اند. با این حال این مدارک را نیز می‌توان در سه گروه مجزا و متمایز طبقه بندی کرد:

الف) نخستین و قدیم ترین کتاب‌هایی که از فتوّت سخن درمیان آورده‌اند. آنان در روزگاری نوشته شده‌اند که جوان مردان هیچ نوع سازمان اجتماعی و حزب و گروه و بیت و قبیله‌ای نداشته‌اند. درنتیجه دراین گونه منابع، جوانمردی تعریف شده و مؤلف به ستایش آن پرداخته و ابعاد گوناگون آن را شرح داده و گاه حکایت یا مثالی درتأیید گفتهٔ خویش آورده است.

نمونهٔ این گونه کتاب‌ها درزبان عربی کتاب ***الفتوة*** از ابو عبدالرحمان سُلَمی نیشابوری (متوفی ۴۱۲ هـ. ق./۱۰۲۱) است که نسخهٔ یگانه‌ای از آن درجزء مجموعهٔ شمارهٔ ۲۰۴۹ کتاب خانهٔ ایاصوفیا (برگ‌های ۷۸ تا ۹۹) محفوظ است. این کتاب نخست به صورت گزیده چاپ شده و ترجمهٔ انگلیسی آن نیز انتشار یافته است. درزبان فارسی نیز باب چهل و چهارم ***قابوس نامه*** که بزرگ ترین وواپسین باب این کتاب کهن و پُر ارزش اجتماعی است به شرح جوانمردی اختصاص یافته و آن نیز همانند کتاب سُلَمی است.

ب) پس از سازمان یافتن فتوّت و پدید آمدن بیوت و احزاب آن، بدیهی است که درکتاب‌های فتوّت می‌بایست اوصاف جوانمرد و پس از آن شرح سازمان فتوّت، شرایط ورود بدان، تعیین کسانی که اجازهٔ ورود به حزب جوانمردان را ندارند، روش و منش جوانمرد پس از پیوستن بدان حزب، و رفتارهایی که موجب طرد اعضا خواهد شد، ومجازات هایی که به خاطیان تعلّق خواهد گرفت جزء به جزء مورد توجّه قرار گیرد و از آن ها سخن گفته شود.

برای فرانمودن مثالی از این گونه کتاب‌ها از ***الفتوة*** اثر ابن معمار حَنبَلی، قدیم ترین سندی که درباب فتوّت رسمی ناصری دردست است و به عربی نوشته شده، و نیز از ***فتوت نامهٔ*** منظـوم ناصری سـیواسی که در ۸۸۲ بیت به سال ۶۸۹ هـ.ق./۱۲۹۰ سروده شده است نام می‌بریم. کتاب ناصری نیز از اسناد گران بهای تحقیق درتاریخ فتوّت است.

ج) کتاب‌های کوچک و مختصری که به عنوان رسالهٔ عملیّه برای افراد هرصنف نوشته می‌شده و نمونه‌های فراوان از آن دردست است و برای نمونه می‌توان به ***فتوت نامهٔ چیت سازان***، که جزء ***رسائل جوانمردان*** چاپ انستیتوی ایران و فرانسه انتشار یافته، اشاره کرد.

در پایان این بحث نمی توان از مهم ترین و بزرگ ترین متنی که دربارهٔ فتوّت

نوشته شده است یاد نکرد. این متن، ***فتوت نامهٔ سلطانی*** اثر مولانا حسین واعظ کاشفی سبزواری، واعظ، پهلوان، جوانمرد، مفسّر و ادیب موفّق و مشهور است. با آن که دونسخه‌ای که تاکنون از این فتوّت نامه شناخته شده ناقص است و احتمال قوی می‌رودکه عمر مؤلّف به تکمیل این اثر بزرگ و گران بها وفا نکرده باشد، امّا درعین حال و باهمین نقائص متن مذکور از لحاظ ارزش و اهمیّت در درجهٔ اول قرار دارد و هیچ گونه تحقیقی در فتوّت بدون مطالعهٔ دقیق آن صورت کمال نخواهد یافت.

کتاب حسین واعظ درحقیقت مجموعه ای است از هر سه نوع مدارک فتوّت. درآغاز، به رسم قدیم ترین کتاب‌های فتوّت به شرح و بیان این آیین پرداخته، سپس سازمان اجتماعی فتوّت و شرایط اعضا و رهبران گروه فتیان، نقیب و استاد شَدّ و پدر عهدالله و داوطلبان ورود به حزب فتیان را به تفصیل باز گفته است. او باخود مقرّر کرده بوده که وظایف و رفتارها و ویژگی‌های هرصنف را نیز در طّی فصول و ابوابی بنویسد. امّا کتاب او در این بخش ناقص مانده و جز چند گروه، از قبیل اهل معرکه (پزشک، زورگر، قصه خوان، شعبده‌باز و . . .) و اهل قبضه (قصّاب، آهنگر، درودگر و. . .) و مانند آن ها درآن یاد نشده است. امیدوارم روزی نسخه‌های دیگری از این کتاب به دست آید تا بتوان به یقین دربارهٔ ناقص ماندن یا کامل شدن آن از سوی مؤلف داوری قطعی کرد.

پانویس ها:

۱. ***محاضرة الاوائل و مسامرة الاواخر***، ص۶۹، به نقل مصطفی جواد درمقدمهٔ: ابن‌المعمار، ***کتاب الفتوة***، بغداد، ۱۹۵۸، ص ۷.

۲. شاهد این مطلب درزندگی روزانه و در زیر نظر ما اتفاق می‌افتد. برای مثال گوییم که در زبان فارسی امروز کلمهٔ رزم اسم معنی و به معنی جنگ است. درسال‌های ۱۳۲۳-۱۳۳۰ خورشیدی، در روزگار اوج فعالیت حزب تودهٔ ایران، اعضاء آن برای نخستین بار کلمهٔ "رزمنده" و جمع آن " رزمندگان" را به صورت صفت فاعلی به کار بردند. پس از انقلاب اسلامی، انقلابیان از این کلمه به طور وسیع استفاده کردند. نیز در دوران انقلاب شعاری بدین گونه برسرزبان ها افتاد: «خمینی می‌رزمد، کارتر می‌لرزد!» می رزمد سوم شخص مضارع اخباری است. امّا نه تنها اشخاص دیگر این فعل (می رزمم، می رزمی. . . الخ) درفارسی به‌کار نرفته بلکه از آن فعل های ماضی و امر نیز ساخته نشده و هرگز کسی مصدر "رزمیدن" را به کار نبرده است.

اگر این فعل و کاربردآن بیشتر توسعه یابد ممکن است صیغه های دیگر و افعال دیگر و نیز

مصدرهای آن نیز درآینده در زبان ما به کار رود.

این یک مثال برای نمونه ذکر شد ورنه درمیان فعل های قدیم تر نیز می‌توان مثال های فراوان یافت که صیغه ای، یا فعلی به کار رفته امّا مصدر آن در زبان وارد نشده باشد.

۳. ر.ک. به:

Vladimir Propp, *Les Racines historiques du conte merveilleux*, NRf, Paris, 1983, chap. IV, pp.143.

پروپ دراین فصل با شرح وتفصیل تمام دربارهٔ خانهٔ بزرگی که در جنگل وجود داشته ونوجوانان پس ازگذرانیدن آیین ها وتشریفات بسیار دشوار"پاگشایی" (Initiation) و درآمدن درگروه "مردان" بدان خانه‌ها می‌روند و روزگار تجرد خودرا تا روز زناشویی و تشکیل خانواده درآن می گذرانند، سخن گفته است.

با آن که تاریخ ایجاد این خانه‌ها بسیار کهن تر از روزگار شکل گرفتن وتأسیس زاویه‌ها و لنگرهای فتوّت است، با این حال بسیاری از آداب و رسوم رایج در"خانهٔ بزرگ" با آداب زاویه‌های جوانمردان همانند است و این امر عمردراز و سخت جانی ودوام فوق العادهٔ سنّت ها و آداب و رسوم را به صورتی شگفتی انگیز به اثبات می‌رساند.

۴. ابن بطوطه، *سفرنامه*،ترجمهٔ محمدعلی موحد، چاپ بنگاه ترجمه ونشر کتاب، صص ۲۸۱ به بعد. در این کتاب شرحی مبسوط از وضع جوانمردان آسیای صغیر وایران، خاصّه اصفهان، آمده است.

۵. اوحدی، *جام جم*، به تصحیح وحید دستگردی، ضمیمهٔ سال هشتم مجلّهٔ *ارمغان*، تهران، تیرماه ۱۳۰۷ خورشیدی، صص ۱۱۲-۱۲۲. مجموع سخنان اوحدی دراین باب ۱۶۹بیت است.

۶. شمس الدین محمّدبن محمود آملی، *نفائس الفنون فی عرایس العیون*، تهران، ۱۳۷۹ هـ. ق.، کتاب فروشی اسلامیه، جزء دویم، صص ۱۱۰-۱۲۸. وی فتوت را به عنوان «فن پنجم از علوم متصوّفه» علم فتوّت می داند، که عبارت است از معرفت و کیفیّت ظهور نور فطرت انسانی.

۷. ابن جُبیر، *رحله*، لیدن، ص ۲۸۰، به نقل مصطفی جواد درمقدمهٔ *کتاب الفتوة*.

۸. علی بن احمد سخاوی حنفی به نقل مصطفی جواد درمقدمهٔ *کتاب الفتوة*، ص ۵۲.

9. Notice sur les corporations de Damas, par Elia Qoudsi fils de Abdo Qoudsi, consul de Holland a Damas, publiée avec une preface par Carlo Landberg.

بنده مطالب اصلی این گزارش را به فارسی ترجمه کرده و درمجلهٔ *فصل کتاب* چاپ لندن انتشار داده است.